

## بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه

۷ تیرماه ۱۴۰۱

- (۱) شروع کلام با نام و حمد خداوند و صلوات و سلام بر حضرت محمد ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) بویژه حضرت بقیه الله عجل الله فرجه
- (۲) خوش آمد گویی و اشاره به اهمیت نقش حصار به عنوان **شخصیت‌های اثرگذار در مسائل مهم کشور**
- (۳) یکی از شئون قوه قضائیه همین است که اثرگذار در مهم‌ترین مسائل کشور است؛ شماها چنین نقشی دارید، ان شاء الله که موفق باشید. **این توفیقی است.**
- (۴) خوشحالم که بحمدالله یک مقداری تخفیف شد در این گرفتاری بیماری همه‌گیر و **این توفیق پیدا شد که شما را از نزدیک زیارت بکنیم.**

### • **شخصیت شهید بهشتی:**

- (۵) اولاً یاد شهید عزیز مرحوم آیت‌الله بهشتی (رضوان الله تعالی علیه) همچنین همه‌ی شهدائی که با ایشان شهید شدند و همچنین همه‌ی شهدای قوه قضائیه را گرامی میدارم. **خدا ان شاء الله درجات همه‌ی آنها را عالی کند.**
- (۶) خب، شهید بهشتی (رضوان الله علیه) **حقاً و انصافاً انسان میدید که ایشان یک شخصیت برجسته است.**
- (۷) اداره‌ی شورای انقلاب حتی در زمان حیات مرحوم آقای طالقانی به عهده‌ی مرحوم آقای بهشتی بود. یک شخصیت برجسته‌ای بود؛ خدا ان شاء الله درجاتش را عالی کند.

### • **نگاه معرفت آموز به شرایط آن روز:**

- (۸) در نظر آوردن شرایط آن هفتم تیری که ۴۱ سال قبل اتفاق افتاد، **راهگشا است.**
  - (۱) اولاً در آن روزها **جنگ تحمیلی** در سخت‌ترین و بدترین شرایط خودش بود. رژیم صدام نیروهایش را تا نزدیک شهرهای بزرگ ما در جنوب و غرب آورده بود. واقعاً **همه‌ی فضا غم‌افزا بود**؛ نیروهای دشمن مسلط، نیروهای ما ناآماده؛ امکانات ما در نهایت ضعف، امکانات او فراوان.
  - (۲) **در داخل کشور**، در خود تهران جنگ داخلی بود؛ **منافقین افتاده بودند به جان مردم** و پاسدار کمیته و پاسدار سپاه و ...؛
  - (۳) تقریباً یک هفته قبل از هفتم تیر، **عدم کفایت رئیس جمهور وقت** در مجلس احراز شده بود و برکنار شده بود. یعنی کشور بدون رئیس‌جمهور [بود]؛
  - (۴) کشور **یک استوانه‌ای مثل بهشتی را از دست داد**؛ استوانه‌های انقلاب که انقلاب را نگه میدارند، ارزش‌شان قابل محاسبه نیست؛ شهید بهشتی یکی از این استوانه‌ها بود؛ در یک چنین شرایطی بهشتی رفت.

۵) تقریباً حدود دو ماه فاصله با این وضع، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر وقت، شهید رجائی و شهید باهنر در یک جلسه ترور شدند، از بین رفتند.

۶) اندکی بعد یا یک فاصله‌ی کوتاهی بعد از آن، چند نفر از فرماندهان ارشد جنگ از ارتش و سپاه، شهید فلاحی، شهید فکوری، شهید کلاهدوز در حادثه‌ی هواپیما به شهادت رسیدند.

۹) در ظرف کمتر از سه ماه این همه حادثه‌ی تلخ، این همه حادثه‌ی وحشتناک، این همه ضربه‌ی مخرب! خب شما کدام کشور را سراغ دارید، کدام دولت را سراغ دارید که بتواند در مقابل این همه حوادث بایستد و از پا نیفتد؟  
۱۰) مردم ایستادند، امام مثل کوه دماوند سربلند ایستاد، مسئولین دلسوز و جوانهای انقلابی ایستادند، اوضاع را ۱۸۰ درجه بعکس کردند<sup>۱</sup>

۱۱) وقتی این حوادث اتفاق می‌افتاد، دشمن ذوق می‌کرد، دشمنان سر شوق می‌آمدند، امیدوار میشدند که دیگر بساط این نظام انقلابی جمع شد؛ ولی ناامید شدند. آن روز ناامید شدند، در این چهار دهه هم مکرر این ناامیدی تکرار شده.

۱۲) مشکل دشمن این است که نمی‌تواند سر این ناامیدی را بفهمد که چرا جمهوری اسلامی هر دفعه از زیر بار این همه فشار میتواند بلند بشود بایستد، سینه سپر کند، راه خودش را ادامه بدهد.

۱۳) جوانهای عزیز این چیزها را ندیده‌اند، درست هم از تاریخ و جزئیاتش مطلع نیستند؛ روی اینها فکر کنید.

## • سنت‌های الهی

۱۴) اینها نتوانستند بفهمند که در عالم بشر غیر از محاسبات و مناسبات سیاسی، یک محاسبات و مناسبات دیگری هم وجود دارد که آنها قادر به فهم آن نیستند؛ آنها سنت‌های الهی است.

۱۵) سنت الهی یعنی قانون، قاعده؛ خدای متعال در عالم طبیعت، در عالم انسان قواعدی دارد، قوانینی دارد.

۱) یکسری قوانین جاری است منتها قوانین جلوی چشم است<sup>۲</sup>، قانون جاذبه یک قانون جلوی چشم است و همه می‌فهمند.

۲) [اما] قوانینی هم دارد که همه قادر به فهم آنها نیستند؛ و قرآن پر است [از سنت‌های الهی]؛ از اول قرآن تا آخر قرآن همین طور که نگاه کنید، دائم سنت‌های الهی تبیین میشود و تکرار میشود.<sup>۳</sup>

۱. جنگ را از باخت پی‌درپی به بُرد پی‌درپی تبدیل کردند، منافقین را از سطح خیابانها جمع کردند، ارتش و سپاه را روزبه‌روز منظم‌تر و مرتب‌تر کردند و کشور را به روال عادی و جاری انداختند.

۲. وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ \* وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ - لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ.

۳. [مثلاً] أَنْ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ مَنْ جَاهِدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدْ لِنَفْسِهِ؛ وَمَنْ أَدْرَقَ مِنَ اللَّهِ قِبَلًا، چَه کسی راست‌گوتر از خدا است؟؛ لئن شکرتم لآزیدنکم؛ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ؛ یا در قضیه حضرت موسی و بنی اسرائیل وقتی فرعون‌ها فهمیدند، اینها را دنبال کردند

اصحاب موسی گفتند: اَنَا لَمُدْرِكُونَ؛ الان می‌آیند ما را میگیرند؛ پدرمان درآمد! حضرت موسی فرمود: كَلَّا؛ هرگز! إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ.

عکسش هم همین جور است لئن شکرتم لآزیدنکم، بعد میگوید: وَلئن کفرتم ان عذابی لشدید این هم سنت است اگر کفران نعمت هم کردید، ان عذابی لشدید؛ آن هم یک سنت الهی است. یعنی هر دو موردش سنت الهی است.

۳) **قانون چه جوری عمل میکند؟** قانون یک موضوع دارد، یک حکم دارد؛ شما خودتان را با آن موضوع منطبق کنید، نتیجه قطعاً مترتب خواهد شد. وعده‌ی الهی است دیگر؛ منتها شرط این است که شما خودتان را منطبق کنید با آن موضوع؛ **اگر منطبق کردید، آن نتیجه حاصل میشود.**

۱۶) یکی از این قوانین این است: لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ؛ **هر کسی که خدا را نصرت کند، خدا او را نصرت میکند؛** لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ — با چند علامت تأکید — یا «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»؛ این سنت الهی است. البته به شرطی که حرکت کنید، عمل کنید، نه اینکه [فقط] بگویید.

۱۷) جمهوری اسلامی آن روز این جوری حرکت کرد؛ **هر وقتی هم ما پیروز شدیم،** این جوری حرکت کردیم؛ [یعنی] **خودمان را با یک مصداق سنت الهی منطبق کردیم** و خدای متعال هم نتیجه را مترتب کرد.<sup>۵</sup>

### • سنت پیروزی، سنت شکست

۱۸) دو مورد در سوره‌ی آل عمران دو قضیه‌ی متصل به هم و **دو جور سنت‌ها را بیان میکند:**

۱) **سنت پیروزی:** اگر در مقابل هراس افکنی دشمن، به معنای واقعی کلمه معتقد شدید که «حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» و به وظایفتان عمل کردید، نتیجه‌اش [«فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ»] این است. اینجا **سنت الهی این بود که در مقابل دشمن هراسی بایستید و پیش بروید.**<sup>۶</sup>

۲) **سنت شکست:** آن [بخش دیگر] قضیه، مال داخل خود احد است؛ که آن تنگه را به خاطر دنیاطلبی از دست دادند، قضیه بعکس شد. اینجا سنت الهی این است که **در مقابل میل به دنیا و دنیاطلبی خودتان را و دیگران را بدبخت کنید.**<sup>۷</sup>

۱۹) [باید] یک **نگاه‌های علمی جامعه‌شناسی** روی این تعبیرات قرآنی انجام بگیرد؛ اینکه چطور میشود یک کشوری، یک حکومتی پیشرفت کند، چطور میشود متوقف بشود و سقوط کند، اینها را در این آیات قرآنی پیدا کنید.

۲۰) سنت‌های الهی تغییرپذیر نیست<sup>۸</sup>؛ **قوانین الهی، قوانین متقنی است؛ خدا با کسی هم قوم و خویشی ندارد،** اینکه بگوییم ما مسلمانیم و شیعه‌ایم و جمهوری اسلامی هستیم، پس هر کاری که دلمان خواست بکنیم، نه؛ ما با دیگران هیچ فرقی نداریم.

۴. نصرت خدا یعنی نصرت دین خدا، یعنی نصرت ارزشهای الهی.

۵. وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ [فرمود: اگر] بایستید، خدا شما را سیراب میکند، شما را بی‌نیاز میکند. ایستادگی کردیم، ایستادیم، خدا بی‌نیاز کرد.

۶. در آیه‌ی ۱۷۳ سوره‌ی آل عمران: الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ\* فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسَّهُمْ سُوءٌ. پیغمبر فرمود آن کسانی که امروز در احد زخمی شدند، جمع بشوند؛ بروید مقابل اینها؛ رفتند آنها را شکست دادند و برگشتند؛ یک مقدار زیادی غنیمت آوردند و هیچ مشکلی هم برایشان پیش نیامد، دشمن را ناکام کردند و برگشتند؛ این سنت الهی است.

۷. سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۵۲

۸. سُنَّةُ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا — که از این قبیل چهار پنج مورد هم هست — که خدا [میفرماید] سنت‌های الهی تغییرپذیر نیست؛ قوانین الهی، قوانین متقنی است. خدا با کسی هم قوم و خویشی ندارد.

(۲۱) ما در سال ۶۰، در مقابل این همه حادثه و شدت عمل توانستیم روی پای خودمان بایستیم و دشمن را ناامید کنیم، امروز هم میتوانیم؛ خدای سال ۶۰، همان خدای امسال است.

(۲۲) خدای دورانهای سختی و دورانهای گوناگون یکی است، همه‌ی سنت‌های الهی هم سر جایش است. سعی کنیم خودمان را مصداق سنت‌های الهی در راه پیشرفت قرار بدهیم؛ سعی‌مان این باشد.

### • در امر به معروف و نهی از منکر. عقیم

(۲۳) این آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی حج<sup>۹</sup> تکلیف همه‌ی ماها را روشن کرده:

(۱) أَقَامُوا الصَّلَاةَ، یعنی اقامه‌ی نماز؛ حکومت الهی و اسلامی باید تعبد را و توجه به خدا را و توجه به معنویت را

گسترش بدهد. اقامه‌ی صلات به این منظور است؛ باید روح تعبد در جمهوری اسلامی گسترش پیدا کند.

(۲) وَأَتُوا الزَّكَاةَ، یعنی زکات بدهند؛ در جامعه‌ی اسلامی بایستی عدالت در توزیع، مورد نظر باشد.<sup>۱۰</sup>

(۳) وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ، امر به معروف. حالا در صلات و زکات و مانند اینها بالاخره یک کارهایی شده، [اما در]

«أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» عقیم.

(۱) معروف چیست؟ عدالت، انصاف، برادری، ارزشهای اسلامی؛ اینها معروف است؛ باید امر به معروف بکنیم.

(۲) منکر چیست؟ ظلم است، فساد است، تبعیض است، بی‌انصافی است، عدم اطاعت الهی است؛ از اینها باید نهی بشود؛ یعنی اینها [جزو] وظایف است.

(۴) در قانون اساسی ما هم جزو وظایف، در اصل هشتم همین مسئله‌ی امر به معروف و نهی از منکر هست.

(۵) [در احکام الهی هم] امر به معروف و نهی از منکر مثل نماز، مثل زکات جزو وظایف است. و حالا طبق یک روایتی امر به معروف از همه‌ی این احکام الهی حتی از جهاد هم بالاتر است.

(۶) این یک وظیفه‌ای است که جزو وظایف قوه‌ی قضائیه هم هست و اگر چنانچه عمل نکردیم، ضربه خواهیم خورد.

(۲۴) قوه‌ی قضائیه یعنی قضای کشور، دادگستری کشور دست شما است؛ این امکان شما است که از این امکان باید حداکثر استفاده را بکنید، در جهت چیزهایی که در قرآن به عنوان وظیفه ذکر شده. اگر استفاده نکردید، نعمت، تضييع شده است.

(۲۵) معمولاً قدرتها از دو ناحیه ضربه میخورند:

(۱) یک ناحیه، سوء استفاده‌ی از قدرت است؛ در جهت اهواء شخصی خودش، اهواء گروهی خودش، در جهت فساد و امثال اینها استفاده میکند؛ این یک جور ضایع کردن قدرت است؛

۹. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۱: الَّذِينَ إِنْ مَكَنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ  
۱۰. زکات هم معلوم است چیست، لکن اشاره‌ای و نکته‌ای که در این «آتُوا الزَّكَاةَ»ها یا «آتُوا الزَّكَاةَ»های متفرقه در قرآن هست، این است.

۲) یک ناحیه، **عدم استفاده‌ی از قدرت** است. یک جور هم این است که انسان از این قدرت استفاده نکند؛ اصلاً معطل بگذارد که این هم تضييع قوت است؛ این هم کفران نعمت الهی است؛ فرقی نمیکند. تنبلی کردن، غفلت کردن، موجب میشود که این اقتدار از بین برود.

### • توصیه به مسئولان قوه قضائیه:

۲۶) **قوه قضائیه** مثل دیگر قوا [است]، چون **یک رکن اساسی کشور** قوه قضائیه است؛ نه فقط در کشور ما، بلکه در همه جا.

۲۷) موفقیتها و ناکامی‌های شما هر دو محکوم به احکام سنت‌های الهی است، و در کل کشور هم تأثیر میگذارد.

۲۸) خوشبختانه **جناب آقای محسنی، رئیس قوه، یک عنصر مؤمن و انقلابی** [است]؛ واقعاً ایشان مؤمنند، انقلابی‌اند، پُرکارند، مردمی<sup>۱۱</sup> و دور از تشریفاتند؛ این خیلی مهم است. با زوایای قوه، ایشان آشنا است؛ از منتقدین و مانند اینها هر چه بگویند، ایشان گوش شنوا دارد، می‌شنود؛ اینها خصوصیات ممتاز ایشان است.

۲۹) **توصیه‌هایی** که عرض میکنیم ان شاءالله باید عملیاتی بشود؛ **باید از صرف یک توصیه و موعظه خارج بشود:**

۱) این **سند تحول** یکی از مترقی‌ترین اسناد تحول است؛ این **باید عمل بشود**. [بر اساس] گزارشها بر طبق آن چیزی که انسان فکر میکند باید باشد، نیست.

۱) بر طبق این سند باید شخصیت‌سازی بشود، به تعبیر رایج فرنگی **کادر سازی بشود**.

۲) قوه در مقابل شایعه و حرف و مخالفت و مانند اینها، **حالت انفعالی نداشته باشد**. راه مستقیمی است جلوی او و با قدرت این راه را دنبال کند و حرکت کند.

۲) مسئله **مبارزه‌ی با فساد** جدی گرفته بشود. فساد وجود دارد.

۱) این جور نیست که **در داخل قوه** فساد نباشد.<sup>۱۲</sup>

۲) عمده این است که با **ساختارهای فسادزا** مقابله بشود؛ بعضی از ساختارها هست که به طور طبیعی فساد ایجاد میکند؛ آن ساختارها باید در هم شکسته بشود؛ بگردید این ساختارها را پیدا کنید.

۳) **تقویت دانش قضائی**. مسئله‌ی احاطه‌ی علمی و قضائی، هم به موضوع، هم به حکم؛ یعنی دانش قضائی باید بالا برود. حالا گاهی بعضی از احکام به ما رسیده، اغلب استدلالهایی که ذکر شده، قابل خدشه است، ضعیف است. استدلال باید متقن باشد، باید قوی باشد. نه فقط در مورد دادگاه، حتی در مورد دادسرا.

۴) نکته‌ی چهارم مسئله **تشویق و تنبیه در درون قوه** است. بعضی‌ها واقعاً تلاش میکنند، واقعاً زحمت میکشند، در مواردی وقت استراحتشان را هم به رسیدگی‌های قضائی صرف میکنند؛ خب اینها شناسایی بشوند، تشویق

۱۱. ایشان یک عنصر مردمی است، با مردم مأنوس میشوند، میروند بین مردم.

۱۲. یک حرف خوبی جناب آقای محسنی در یکی از همین جلسات اواخر به من گفتند؛ ایشان گفتند — به این مضمون ظاهراً — که ما تصمیم گرفته‌ایم اول در درون خود قوه با فساد مبارزه کنیم؛ بله، همین درست است.

باشوند؛ حالا با انواع تشویق. تشویق فقط تشویق مالی نیست؛ تشویق آبرویی هست، تشویق معرفی کردن و مانند اینها هست.

(۵) هیچ بخش از **اختیارات و مأموریت‌های** قوه‌ی قضائیه که در قانون اساسی و قوانین مترتب بر آن معین شده، **معطل نماند.**

(۱) هر جا احساس شد **حقوق عامه** دارد تضییع میشود، به طور جدی وارد میدان بشوند؛ با استناد به قانون.

(۲) بنده **با اعمال احساسات و شعار گونه وارد شدن در این قضایا موافق نیستم** اما با استناد به قانون محکم وارد بشوند.

(۳) یا مسئله‌ی **پیشگیری از جرم** که یکی از وظایف قوه‌ی قضائیه است و در قانون اساسی هم آمده، بایستی جدی گرفته بشود و [در مورد آن] هیچ اهمالی روا داشته نشود.

(۴) این **قانونی که مربوط به زمینها بود** که مشخص کنند در شهرها و روستاها که هر یک متر زمین حکمش چیست، مال کیست و غیره، باید به نتیجه برسد، اگر این کار شد، این زمین‌خواری‌ها و این کوه‌خواری‌ها و مانند اینها دیگر از بین خواهد رفت.

(۶) **نگاه همه‌جانبه** در ارتباطات بین قوه‌ی قضائیه و ضابطین قضائی:

(۱) بایستی از **رفتار ضابطین مراقبت و نظارت** بشود؛ که مراقبت بشود از رفتار ضابط که تندروری و زیاده‌روی و مانند اینها انجام نگیرد.

(۲) قوه **تحت تأثیر نظر ضابط قرار نگیرد**؛ خب ضابطین، دستگاه‌های مؤثر و مهمی هستند، قوه‌ی قضائیه خودش بایست مستقل رسیدگی کند، تحت تأثیر نظر او قرار نگیرد.

(۳) همین ضابطین گاهی نظرات کارشناسی‌ای دارند که اینها تحقیق شده است، این **نظرات کارشناسی را هم ندیده نگیرند**؛ به این نظرات توجه بشود.

(۴) این جور نباشد که ضابط یک زحمتی بکشد، بعد **با بی‌توجهی قوه‌ی قضائیه یا عدم تخصص قاضی** در آن مورد خاص مواجه بشود و از دست برود.

(۷) نکته‌ی هفتم، **مسئله‌ی امنیت روانی مردم** است. یکی از حقوق عمومی مردم همین است که امنیت روانی داشته باشند.

(۱) **امنیت روانی یعنی چه؟** یعنی هر روز یک شایعه‌ای، یک دروغی، یک حرف هراس‌افکننده‌ای در ذهنها پخش نشود. مردم را نگران میکند، ذهن مردم را خراب میکند. یکی از وظایف قوه‌ی قضائیه برخورد با این مسئله است.

۲) **بعضی گفتند که قانون نداریم؛** اولاً میشود از همین قوانین موجود استفاده کرد و حکم این را فهمید؛ اگر قانون هم ندارید، سریع قانون تهیه کنید؛ اینها چیزهای مهمی است

۳) البته گاهی اوقات **هم منبع برخی از همین اخبار خود قوه قضائیه است.** یعنی گاهی اوقات یک نفری از قوه قضائیه یک گوشه‌ای یک چیزی راجع به یک کسی، راجع به یک مجموعه‌ای ذکر میکند که خود این، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار میدهد.

۸) آخرین مطلب این است که **پرونده‌ای را که باز میکنید تا آخر دنبال کنید و تمام کنید.**

۱) [مثلاً] راجع به برخی کارخانه‌ها، راجع به برخی تصرفات بی‌مورد و امثال اینها به آخر برسانید. **جوری نباشد که سر زخم را باز کنید، بعد رها کنید.** البته اولش یک سر و صدایی معمولاً میشود که این کار دارد انجام میگیرد، بعد یواش یواش فراموش بشود؛ نه.

۲) هر کاری را که شروع میکنید، هر مسئله‌ای که — حالا ایشان گفتند مسئله محوری؛ خب خوب است، **مسئله محوری خیلی خوب است** — به طور خاص به خاطر اولویتش دنبال میکنید، این مسئله را به آخر برسانید، پرونده را تمام کنید، بعد بیایید کنار.

۳۰) **کارتان سخت است!** واقعاً یکی از کارهایی که خیلی سخت است، قوه قضائیه است. بنده خب از اول انقلاب در مسائل جاری اجرائی انقلاب بوده‌ام، همیشه میگفتم که من از قبول تصدی مسائل مربوط به قوه قضائیه میترسم و اجتناب میکنم؛ چون خیلی سخت است، خیلی سنگین است، کار سنگینی را به عهده گرفته‌اید. خب به همان اندازه اجرش هم سنگین است؛ یعنی به تناسب سنگینی کار، اجر الهی هم سنگین است ان شاء الله.

۳۱) **برای خدا کار را دنبال کنید** و با هدایت الهی کار را دنبال کنید و ان شاء الله اجر الهی شامل حال شما خواهد بود. ممکن است شما یک کار خوبی را انجام بدهید هیچ کس هم نفهمد، حتی مدیر مافوق شما، اما کرام‌الکاتبین میفهمند و خدای متعال هم از ورای همه‌ی اینها حاضر و ناظر است و میبیند و ان شاء الله اجرتان پیش خدا است.

### • دعای پایانی:

- ۳۲) امیدواریم خدای متعال روح مطهر امام بزرگوار را شاد کند؛
- ۳۳) ارواح طیبه‌ی شهدا را با اولیائشان محشور کند؛
- ۳۴) روح شهید بهشتی عزیز را خداوند ان شاء الله با اولیائش محشور بکند
- ۳۵) و همه‌ی ما و شما را عاقبت‌به‌خیر کند.
- ۳۶) والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱۴. در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی‌اژه‌ای (رئیس قوه قضائیه) گزارشی ارائه کرد.

